



جایگاه نماز در فرآیند تربیت

سیروس فخرایی
دانشگاه تبریز

مقدمه

تربیت سالم و صحیح کودکان و نوجوانان هدف نهایی والدین، اولیای مدرسه و مربیان و دست اندرکاران مسائل تربیتی است. این هدف موقعی تأمین می‌شود که عناصر و واحدهای فرهنگی و عقیدتی لازم برای رسیدن به آن هدف بتوانند کارکردهای خود را به نحو صحیح انجام دهند. در جامعه اسلامی اجرای فرایض دینی از جمله نماز در فرآیند اجتماعی شدن مذهبی کودکان و نوجوانان نقش عمده‌ای را می‌تواند ایفا نماید. جامعه اسلامی براساس عقیده و ایدئولوژی استوار است که از روح مذهب سرچشمه گرفته است (Vatikiotis, 1918).

عادت دادن فرزندان به برپائی نماز و واقف ساختن آنها به اهمیت این فریضه نه تنها در تکوین شخصیت آنها بلکه در رابطه با اعضای خانواده، رابطه با دوستان و شبکه روابط موجود در جامعه اهمیت بسزائی دارد. از طریق برپائی این فریضه که پشتوانه محکمی برای سایر فرائض مذهبی می‌باشد، کودکان و نوجوانان مبانی اعتقادی را در خود

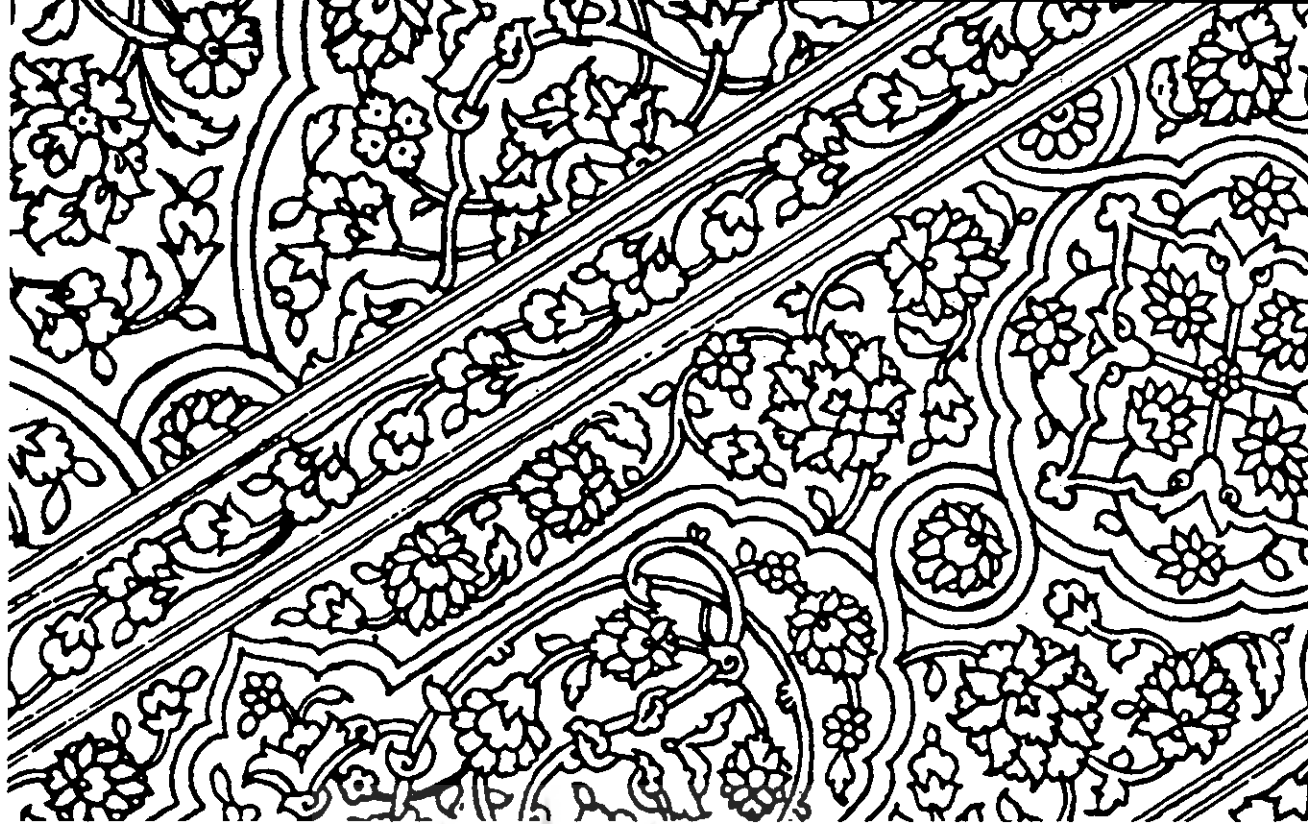
درونی ساخته و کلیه اعمال، نگرشها و رفتارهای آنان تحت تأثیر قرار می‌گیرد. به این ترتیب نه تنها آنان شخصیت پرتوان مذهبی پیدا می‌کنند، بلکه در سالم سازی محیط اجتماعی نقش مؤثری برعهده می‌گیرند.

اهمیت فریضه نماز در جریان اجتماعی شدن

اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری جریانی است که افراد جامعه از طریق آن الگوهای رفتاری، هنجارها، آداب و رسوم موجود در جامعه را فرا گرفته و خود را برای زندگی اجتماعی آماده می‌سازند (روشه، ترجمه هما زنجانی زاده، ۱۳۷۰). این جریان از بدو تولد فرد شروع شده و تا پایان حیات وی ادامه دارد. در میان دوره‌های مختلف سنی، دوره کودکی و نوجوانی از این لحاظ واجد اهمیت فراوان است. در دوره کودکی، افراد انفعال‌پذیری بیشتری دارند. آنان با کنجکاوی به محیط پیرامون خود نگرسته و آنچه را که در رفتار اطرافیان می‌بینند، تقلید می‌کنند. از آنجا که درونی ساختن قواعد و

هنجارهای مذهبی در فرآیند اجتماعی شدن صورت می‌گیرد، جامعه‌پذیری مذهبی افراد از دوره کودکی شروع می‌شود. در این دوره کودک با مشاهده پدر و مادر و سایر اعضای خانواده در حال انجام فرایض مذهبی، حس کنجکاوی‌اش برانگیخته می‌شود. او سعی دارد به تقلید حرکات مذهبی افراد خانواده بپردازد. در مراحل بعد بتدریج با رشد سنی و قوای دماغی آشنایی بیشتری با رفتارهای مذهبی پیدا می‌کند. در این دوره والدین وظیفه دارند که پایه‌های اولیه در تکوین شخصیت مذهبی فرزندان خود را پی‌ریزی نمایند. اگر آنها در این کار موفق باشند، می‌توانند امیدوار شوند که در آینده فرزندان آنها شخصیت سالم مذهبی پیدا نماید.

عمده‌ترین فریضه مذهبی که در فرآیند اجتماعی شدن، افکار، نگرش و رفتارهای مذهبی کودکان و نوجوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نماز است. اگر والدین در این دوره موفق شوند نماز را به عنوان یک هنجار مذهبی در رفتار و کردار فرزندان خود درونی بسازند، قدم



اساسی برای تربیت دینی آنها برداشته‌اند. عادت دادن فرزندان به نماز خواندن از دوران کودکی و اجرای این فریضه در نوجوانی و جوانی نه تنها در ایجاد و حفظ شخصیت سالم مذهبی افراد جامعه نقش دارد، بلکه دارای اثرات مثبت اجتماعی است.

فرد نمازگزار در جریان کنشهای متقابل موجود در جامعه، حقوق دیگران را رعایت کرده و آن را پایمال نمی‌کند. چنین فردی خود را به اخلاق حسنه، تقوا، پرهیزکاری و سایر خصایص نیکو آراسته کرده و از خیانت به دیگران خودداری می‌کند. به این ترتیب نماز به عنوان یک فریضه از بعد فردی خارج شده و در ابعاد اجتماعی و وسیع جامعه کارکردهای خود را ایفا می‌کند. سالم‌سازی محیط اجتماعی، اعتماد افراد جامعه به یکدیگر، حفظ انسجام اجتماعی و رسیدن به پویائی فرهنگی از جمله کارکردهای اجتماعی این فریضه می‌باشد. تقویت همبستگی اجتماعی و ایمانی و تقوا در جامعه ریشه فقر و بینوائی را برمی‌اندازد (طالقانی، ۱۳۶۰).

نقش تربیتی نماز در خانواده

نماز به عنوان یک فریضه مذهبی دارای اثرات تربیتی در ابعاد مختلف فردی، گروهی، بهداشتی و روانی در محدوده خانواده می‌باشد. اجرای فریضه نماز در شکل‌گیری صحیح روابط میان اعضای خانواده نقش عمده‌ای دارد. با اجرای این فریضه خانواده به یک محیط مقدس تبدیل شده و روابط افراد آن قداست ویژه‌ای بدست می‌آورد.

کودکی که در فرآیند جامعه‌پذیری مذهبی، نماز را به عنوان یک رفتار مذهبی در خود درونی ساخته، برای اجرای آن خود را ملزم به رعایت دستورات بهداشتی می‌داند. او مجبور است که بدن و لباس خود را همیشه تمیز و پاک نگه دارد. به این ترتیب با رعایت مقررات بهداشتی از ابتلا به بیماریهای مختلف جلوگیری می‌گردد.

علاوه بر بهداشت جسمانی برپائی نماز در بهداشت روانی افراد خانواده اهمیت بسزائی دارد. اجرای صحیح فریضه نماز مستلزم تزکیه روح و پالایش درونی است. برای انجام نیایش واقعی علاوه بر طهارت جسمی و ظاهری پاکی

درونی و قلبی هم لازم است (قرائتی، ۱۳۶۸).

خانواده‌ای که اعضای آن با برپائی نماز به طهارت درونی خود بپردازند، پشتوانه محکم معنوی بدست می‌آورند که در مقابل ناملایمات زندگی آنها را حمایت می‌کند. چنین افرادی از نظر روحی توکل به خدا کرده، اعتماد به نفس داشته و در مقابل مصائب و دشواریها خود را نمی‌بازند. در نتیجه اختلالات روحی مثل اضطراب، ترس، افسردگی، از خود بیگانگی و خودکشی در چنین افرادی بندرت دیده می‌شود.

اصولاً نیاز به خداجوئی و عبادت به درگاه وی ریشه در عشق و جودی انسان دارد. (Musavi Lari, 1989). والدین با تقویت روح مذهبی در درون خانواده از طریق سوق دادن کودکان به برپائی نماز می‌توانند کانون مناسبی را برای تربیت سالم فرزندان خود بوجود آورند. برای این منظور روشن‌بینی والدین نسبت به تمایلات و علائق فرزندان خود ضروری است (شرفی، ۱۳۷۲). از آنجا که خانواده نخستین و ابتدایی‌ترین واحد اجتماعی

است، تربیت درست کودکان در آن، زمینه‌ساز تعلیم و تربیت صحیح آنان در سایر نهادهای اجتماعی است.

اجرای فرائض دینی توسط افراد خانواده در ایجاد روابط صحیح میان آنها مؤثر واقع می‌شود چرا که در اسلام زنان و مردان از بسیاری جهات حقوقی برابر و مساوی با یکدیگر دارند (Ahmed, 1989)

نقش تربیتی نماز در مدرسه

مدرسه بعد از خانواده دومین نهادی است که در فرآیند اجتماعی شدن کودکان و نوجوانان نقش مؤثری ایفا می‌کند. نهاد مدرسه به عنوان فرآیندی است که در آن تجارب آموزشی، نگرشها، و موفقیت‌ها یا شکست‌ها جامه عمل به خود می‌گیرد (MC Neil, 1986).

از آنجا که مدرسه از لحاظ بعد روابط گسرومی، وسیع‌تر از خانواده است، کودکان و نوجوانان در آنجا در روابط گسترده‌تری قرار می‌گیرند. آنها در روابط آموزشی با دوستان و همکلاسان، معلمان و اولیای مدرسه قرار می‌گیرند. نماز یک عمل عبادی است و قادر است این روابط را از سطح آموزشی فراتر برده و در سطوح تربیتی و فرهنگی قرار دهد.

فریضه نماز به لحاظ نقشی که در مدرسه ایفا می‌کند، کارکردهای مختلفی را در جنبه‌های تربیتی، اخلاقی و فرهنگی می‌تواند داشته باشد که به چند مورد زیر می‌توان اشاره نمود:

الف) پیوند علم و اخلاق: نماز به لحاظ کارکردهایی که از لحاظ اخلاقی برعهده دارد، انسانهایی متعهد، مسئول و مصلح را به جامعه تحویل می‌دهد. وجود چنین انسانهایی در محیط مدرسه باعث می‌شود که پیوند و رابطه واقعی میان علم و اخلاق بوجود آید. علم بدون اخلاق نه تنها برای جامعه ثمری نداشته، بلکه در بعضی موارد موجبات سقوط ارزشهای انسانی را فراهم می‌آورد. همبستگی میان علم و اخلاق برای رسیدن انسان و جامعه به کمال نهایی ضرورت دارد.

ب) ایجاد رابطه تربیتی میان معلم و دانش‌آموز: اجرای فریضه نماز در مدرسه مخصوصاً بصورت جماعت رابطه میان معلم و دانش‌آموز را از سطح آموزشی فراتر برده و آن را تبدیل به رابطه تربیتی می‌سازد. در این حالت معلم می‌تواند نقش تربیتی را که پدر در خانواده برعهده دارد، در مدرسه برعهده گیرد. معلم در ساختن خصال و شخصیت کودکان نقش مهم و مؤثری دارد (باهر و برقمی، ۱۳۵۸). ایجاد رابطه تربیتی با معلم در پیشرفت درسی دانش‌آموزان بسیار مؤثر واقع می‌شود. چرا که آنان به لحاظ ارتباط صمیمی که با معلم خود پیدا کرده‌اند، برای نشان دادن صلاحیت خود به مطالعه و تلاش بیشتر می‌پردازند.

ج) جلوگیری از کجرویهای رفتاری: نوجوانی که در محیط خانواده و مدرسه با برپائی نماز و اعتقاد به خدا بزرگ شده باشد، معمولاً شخصیت بهنجاری پیدا می‌کند. چنین فردی با پشتوانه مذهبی که از آن برخوردار است، در مقابل سختیهای زندگی مقاومت کرده و نه تنها خود دچار انحرافات اخلاقی نمی‌شود، بلکه دیگران را نیز از افتادن در دام کجرویها و انحرافات باز می‌دارد.

نتیجه‌گیری

تربیت فرآیندی است که ارکان اساسی آن در دوره کودکی و نوجوانی افراد شکل می‌گیرد. اگر این فرآیند بصورتی صحیح در این دوره طی شده باشد، امکان لغزش و خطا در مراحل بعدی بسیار کم می‌شود. رکن عمده تربیت در دوره کودکی و نوجوانی، تربیت دینی است. برای تربیت درست دینی درونی ساختن فریضه نماز در رفتارهای کودکان و نوجوانان از طریق خانواده و مدرسه نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. اگر برپائی این فریضه بصورت آگاهانه در مراحل بعدی زندگی استمرار پیدا کند، می‌توان انتظار داشت که جامعه از وجود افرادی شایسته و به کمال رسیده

بهره‌مند شود.

از آنجا که نماز فریضه‌ای است که روزانه در چند نوبت انجام می‌شود، فرد نمازگزار با ذکر خدا و رعایت شرایطی که برای اجابت آن لازم است، زمینه‌های تربیت فردی و تربیت اجتماعی را مهیا می‌سازد. نماز موجب مداومت شبانه‌روزی یاد خداست (امام خمینی، ۱۳۵۹: ص ۳۰). او باید علاوه بر طهارت ظاهری و جسمانی برای طهارت باطنی و درونی نیز تلاش نماید. روابط خود را با دیگران بر پایه‌های صحیحی استوار ساخته، از دروغ، غیبت و سایر رذایل اخلاقی دوری جوید. به این ترتیب هم فرد و هم جامعه در فرآیند صحیح تربیت قرار می‌گیرند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی:

- ۱- امام خمینی، پرواز در ملکوت، ترجمه سید احمد فیری، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹، جلد اول
 - ۲- باهر، محمد جواد، برقمی، سیدرضا، اصول دین و احکام برای خانواده، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۸
 - ۳- روشه، گمی، کشن اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۰، چاپ دوم
 - ۴- شرفی، محمدرضا، خانواده متعادل (آنا تومی خانواده)، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، تهران، ۱۳۷۲، چاپ دوم
 - ۵- طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، تهران ۱۳۶۰
 - ۶- قرائتی، محسن، آشنایی با نماز، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸
- ب) منابع انگلیسی:

- 1- Ahmed, Akbar S., Discovery Islam, Making sense of Muslim History and society, Koutledge, 1988.
- 2- Musavi Lari, Sayyid Mujtaba, God and his Attributes, translated by Hamid Alyar, Islamic. Education Center, 1989.
- 3- MC Neil, Patrick, the sociology of schools, Taristock publications, 1986.
- 4- Vatikiotis, P.J., Islam and the state, Croom Helm, 1987.